

عنوان مقاله:

مقاله تحلیلی بر زمینه های مخالفت با فلسفه تطبیقی و نسبت آن با پایان

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 19، شماره 73 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسندگان:

مریم پرویزی - دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

قاسم پورحسن - دانشیار فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

پایان فلسفه تطبیقی، مهم ترین و آخرین دیدگاه به این رویکرد است. فلسفه تطبیقی تاکنون با مخالفت های گوناگونی روبرو شده است، در برابر این انتقادات پرسشی مطرح می شود که آیا این مخالفت ها به ذات فلسفه تطبیقی است یا به علت ناخرسندی یا ناکارآمدی آن است؟ پژوهش حاضر به بررسی زمینه ها، علل و دلایل مخالفت با فلسفه تطبیقی می پردازد. در این نوشتار با روش تحلیلی-توصیفی به پیدایش فلسفه تطبیقی و سیر تحولات آن تا به دوران جدید و رسیدن به دیدگاه مخالفان پرداخته می شود. در این راستا ابتدا دیدگاه مخالفان فلسفه تطبیقی و قائلان به پایان، غرض و ادله ایشان در چارچوب تعریف های ارائه شده از «پایان» بررسی می شود. پایان به سه معنای امتناع، کمال و اتمام به کار می رود و دیدگاه مخالفان عمدتاً در معنای امتناع گنجانده می شود. در این پژوهش خاستگاه فلسفه تطبیقی و سپس رویکردهای عمده (توجه به شباهت ها و تفاوت های پیشاورسلی، تشابه در تناسب اورسل، پدیدارشناسی کربن و شهود ذات و رجوع به خاستگاه مشترک در ایزوتسو) در دوران جدید مطرح می شوند. سپس با ارائه رویکرد چهارم (که بازبینی در مفهوم فلسفه تطبیقی و ارائه تعریفی مختار است) پاسخی به مخالفان فلسفه تطبیقی داده می شود. تعریف ارائه شده خلاء هایی که در فلسفه تطبیقی دیده می شود را پر کرده و چشم اندازی جدید ارائه می کند. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که مخالفت های صورت گرفته به فلسفه تطبیقی و اعتقاد به پایان آن، به دلیل عدم فهم صحیح از فلسفه تطبیقی و تعریف دقیق از آن است و ذات فلسفه تطبیقی با امتناع و پایان روبرو نیست. آخرین معنای از پایان را می توان «راهی متفاوت» برشمرد که تفسیری بدیع از معنای پایان است.

کلمات کلیدی:

چیستی فلسفه تطبیقی، معانی پایان، مخالفان فلسفه تطبیقی، امکان پایان فلسفه تطبیقی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1713543>

